

تحلیل سیره عقلا در پذیرش خبر واحد برای شناسایی شاخص‌های
اعتبارسنجی توصیف‌های رجالیمیلا دهقانی^۱محمد فائزی^۲عبدالاحد قراری^۳

چکیده

یکی از راه‌های اعتباربخشی به توصیف‌های رجالی، استناد به حجیت خبر واحد است. حجیت خبر واحد به‌عنوان یکی از مسائل بنیادین اصول فقه، در مبانی اعتبار و شرایط حجیت، مباحث گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است. بعضی رجالیان با تکیه بر این مبنا، توصیف‌های خود را معتبر می‌دانند؛ اما به تفاوت در مبانی اعتبار و شاخص‌های حجیت خبر واحد، و تأثیر آن‌ها بر ارزیابی توصیف‌ها توجه کافی نکرده‌اند. این بی‌توجهی، احتمال خطا در تمیز توصیف‌های معتبر از غیرمعتبر را افزایش داده است. این پژوهش، با هدف رفع این خلأ، به تحلیل یکی از این مبانی (سیره عقلا در پذیرش خبر واحد) پرداخته و از آن به‌عنوان ابزاری برای شناسایی شاخص‌های ارزیابی اعتبار توصیف‌های رجالی بهره برده است. روش این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر نوع اجرا، تحلیلی و مبتنی بر داده‌های کیفی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که حجیت خبر واحد نزد عقلا مستلزم رعایت شاخص‌های دقیقی است. از جمله این شاخص‌ها، وثاقت خبردهنده به‌عنوان شرط اساسی اعتبار خبر، بی‌تأثیر بودن جنسیت خبردهنده در حجیت خبر، و عدم نیاز به تعدد خبردهندگان است. همچنین، اخبار حدسی به دلیل عدم قطعیت پذیرفته نمی‌شوند و اعتبار خبر منوط به سازگاری آن با سایر منابع از طریق فحص از معارض است. این تحقیق با ارائه این شاخص‌ها، زمینه‌ای برای تقویت ارتباط میان علم اصول و علم رجال فراهم می‌کند و چارچوبی علمی برای ارزیابی اعتبار توصیف‌های رجالی ارائه می‌دهد. به طور خاص، نتایج این پژوهش می‌تواند در ارزیابی دقیق‌تر توصیف‌های رجالی و تمیز توصیف‌های معتبر از غیرمعتبر به کار گرفته شود.

واژگان کلیدی: خبر واحد، حجیت، سیره عقلا، قول رجالی، خبر حسی.

۱. دانش‌آموخته مرکز فقهی ائمه اطهار (نویسنده مسئول)، mi.dehghani099@gmail.com

۲. سطح چهار حوزه، استاد سطوح عالی حوزه علمیه، m.faezi110@gmail.com

۳. طلبه درس خارج، استاد سطوح عالی حوزه علمیه، abdulahad.gharari@gmail.com

مقدمه

حجیت خبر واحد یکی از مبانی مهم در علم رجال است که برای اعتباربخشی به توصیف‌های رجالیان استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، رجالیان برای قبول توصیف‌های رجالیان پیشین درباره راویان حدیث، در بسیاری از موارد به حجیت خبر واحد استناد می‌کنند. اما مشکلی که در اینجا وجود دارد این است که خود خبر واحد نیز به طور ذاتی حجیت ندارد و برای اعتبار، نیازمند دلایل و مبانی مشخصی است.

در واقع، همان‌طور که توصیف‌های رجالی بدون دلیل نمی‌توانند معتبر باشند، خود مبانی حجیت خبر واحد نیز بدون دلیل مستند و معتبر، حجت نخواهد بود. از این رو، در علم اصول به این مسئله پرداخته شده و مبانی مختلفی برای اثبات حجیت خبر واحد ذکر شده است که هر یک از این مبانی شاخص‌های متفاوتی برای تمییز خبر معتبر از غیرمعتبر ارائه می‌دهد. با اینکه این تفاوت‌ها تأثیرات مستقیمی در ارزیابی صحت و اعتبار خبر و توصیف‌های رجالی می‌گذارد، اما رجالیان معمولاً به تفاوت‌های موجود در مبانی حجیت خبر واحد توجه نمی‌کنند و در بسیاری از موارد با پیش‌فرض حجیت خبر واحد، توصیف‌های رجالی را معتبر می‌دانند.

برای نمونه، عبارت پیش رو که از کتاب ارزشمند «اعتبارسنجی احادیث شیعه» نقل می‌شود، نشان‌دهنده این رویکرد است: «برابر با این مبنا که همانند فقه فقط وثاقت راوی شرط است و نه صحت مذهب، پس توثیقات کسانی چون علی بن حسن بن فضال و احمد بن محمد بن سعید ابن عقده نیز حجت است و یارای تعارض با تضعیفات دانشمندانی چون نجاشی و ابن غضائری را نیز دارد.» در این متن، تفاوت‌های موجود در مبانی حجیت خبر واحد مورد توجه قرار نگرفته است، چرا که در این نگاه، صرف وثاقت به عنوان معیاری برای اعتبارسنجی پذیرفته شده و به دیگر شاخص‌ها یا آثار متضاد توجهی نشده است. این خلأ در تحلیل‌های رجالی به طور گسترده وجود دارد و می‌تواند تأثیرات منفی در ارزیابی صحت روایات برجای بگذارد.

در سایر کتب رجالی نیز با وجود اشاره به مبنای حجیت خبر واحد، این مسئله آن‌چنان که باید مورد توجه قرار نگرفته است. کتاب‌هایی همچون «تنقیح المقال فی علم الرجال»، «منتهی المقال فی الدرايه و الرجال»، «بحوث فی علم الرجال»، «الفوائد الرجاليه»، «سبک‌شناسی دانش رجال الحديث»، و «استناد در روش شناخت رجال اسناد»، مبنای حجیت خبر واحد را بیان کرده‌اند، اما این آثار تنها به صورت کلی به این مسئله پرداخته‌اند و به جزئیات تأثیرات آن بر اعتبارسنجی توصیف‌های رجالی کمتر توجه شده است. همچنین، کتاب «مبنای حجیت آرای رجالی» اثر سیف‌الله صرامی، به عنوان تنها منبعی که به بررسی دقیق‌تر این مبنا پرداخته، به دلیل گستردگی موضوع و فضای محدود کتاب، نتوانسته است به جزئیات تأثیر هر مبنای حجیت خبر واحد در اعتبارسنجی توصیف‌های رجالی بپردازد.

با توجه به این خلأ و با تأکید بر این نکته که هر مبنای حجیت خبر واحد می‌تواند معیارهای خاص خود را برای تمییز خبر معتبر از غیرمعتبر ارائه دهد، لازم است که تک‌تک مبانی حجیت به طور جداگانه بررسی شده و شاخص‌های ارزیابی اعتبار خبر طبق هر مبنا شناسایی شود.

از این‌رو، پژوهش حاضر می‌کوشد تا با استفاده از روش تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و دیجیتال، به تحلیل سیره عقلا در پذیرش خبر واحد پرداخته و معیارهای مناسب برای تمییز خبر معتبر از غیرمعتبر شناسایی کند و از این راه ابزاری برای شناسایی شاخص‌های ارزیابی توصیف‌های رجالی فراهم کند. یافته‌های این پژوهش می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای دقت در ارزیابی توصیف‌های رجالیان باشد.

۱. مفهوم‌شناسی

بعضی واژه‌ها و اصطلاحات در عنوان یا متن مقاله به کار رفته است که فهم ریزه‌کاری‌های آن برای انتقال درست مفاهیم ضروری است؛ لذا قبل از ورود به اصل بحث، لازم است مفاهیم اساسی به کار رفته در این نوشته تبیین شود.

۱-۱. حجیت (اعتبار)

حجیت مصدر جعلی از کلمه «حجة» است. «حجة» در لغت به دو معنی مصدری و غیر مصدری به کار رفته است. حجة مصدری به معنی «احتجاج» و «استدلال کردن» (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۱۸) و حجة غیر مصدری به معنای وجه ظفر (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۰) برهان و دلیل (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۱۶) است. در علم اصول، حجیت به معنای اعتبار و وثاقت یک دلیل برای اثبات یا نفی امری است به شرطی که اعتبار این دلیل به درجه قطع نرسد. (مظفر، ۱۴۲۹ق، ص ۳۷۰) به عبارت دیگر، حجیتی که مورد قبول فقیهان قرار می‌گیرد، دلیلی است که بتوان با اتکا به آن، حکم شرعی را استنباط کرد.

اعتبار در علم رجال: در بررسی‌های رجالی، اعتبار به معنای پذیرفتن توصیف‌های رجالیان به عنوان دلیلی برای اثبات وجود یا عدم وجود ویژگی‌هایی مانند وثاقت یا ضعف در یک راوی است. این پذیرش به معنای یقین و قطع به صحت این توصیف نیست، بلکه به این معناست که فرض می‌شود آنچه رجالی بیان کرده مطابق با واقع است.

برای مثال، وقتی گفته می‌شود: "کلام نجاشی حجت است"، یعنی اگر نجاشی بگوید "فلان راوی ثقه است"، این سخن به عنوان مبنای ارزیابی پذیرفته می‌شود و فرض می‌شود واقع همین است، مگر اینکه دلیل معتبری برای خلاف آن وجود داشته باشد.

اعتباربخشی به توصیف‌های رجالیان: اعتباربخشی زمانی رخ می‌دهد که یک توصیف رجالی برای تعیین ویژگی‌های یک راوی به کار گرفته می‌شود، اما چون این توصیف به تنهایی حجیت ندارد، نمی‌توان مستقیماً به آن عمل کرد. در این مرحله، باید از دلایل معتبر استفاده شود تا اعتبار توصیف تأیید گردد. به عبارت دیگر، در اعتباربخشی تلاش می‌شود با استفاده از دلایلی که اعتبار آن‌ها پذیرفته شده است، به توصیف‌هایی که ابتدا

معتبر نیستند، اعتبار داده شود. برای مثال، اگر شیخ طوسی بگوید که راوی ضعیف است، این گفته به تنهایی قابل استناد نخواهد بود مگر آنکه دلایل دیگری آن را تأیید کنند.

این دلایل معمولاً شاخص‌هایی را معرفی می‌کنند که وجود آن‌ها در توصیف، شرط ضروری برای معتبر دانستن آن است. این شاخص‌ها به عنوان معیارهایی عمل می‌کنند که بر اساس آن‌ها، توصیف‌ها ارزیابی می‌شوند. بررسی اینکه آیا این شاخص‌ها در توصیف وجود دارند یا نه در مرحله اعتبارسنجی انجام می‌شود.

اعتبارسنجی توصیف‌های رجالیان: اعتبارسنجی مرحله‌ای است که پس از اعتباربخشی انجام می‌شود. در این مرحله، توصیف‌ها بر اساس شاخص‌هایی که از دلایل معتبر به دست آمده‌اند، بررسی می‌شوند تا مشخص شود که آیا با معیارهای تعیین شده هم‌خوانی دارند یا خیر. اگر توصیفی با این شاخص‌ها تطابق داشته باشد، معتبر شناخته می‌شود و در غیر این صورت، غیرمعتبر شناخته شده و کنار گذاشته می‌شود.

این دو مرحله در کنار هم فرایندی دقیق و ساخت‌یافته برای بررسی و ارزیابی توصیف‌های رجالی ایجاد می‌کنند. از یک سو اعتباربخشی به توصیف‌هایی که در ابتدا فاقد اعتبار هستند، حجیت می‌بخشد و از سوی دیگر، اعتبارسنجی میزان انطباق این توصیف‌ها با شاخص‌های اعتبار را می‌سنجد و نتیجه نهایی را مشخص می‌کند. این چارچوب، زیربنای استفاده علمی و نظام‌مند از داده‌های رجالی در پژوهش‌های رجالی به شمار می‌رود.

۲-۱. سیره عقلا

سیره در اصطلاح مشهور اصولیان، به بنای عملی مردم، سلوک و رفتار شایع و مستمر آن‌ها نسبت به انجام و یا ترک عملی اطلاق می‌شود. (جناتی، ۱۳۷۰، ص ۴۱۳؛ نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۹۲؛ صدر، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۱۳۸) البته شهید صدر در معنای سیره، توسعه داده و ارتکاز را هم داخل سیره دانسته است؛ (صدر، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۲۳۴) به این معنا که گاهی عند العقلاء در زمان شارع یک ارتکاز خاصی موجود بوده است، هر چند به جهت

مانعی، سلوک و عمل خارجی در زمان شارع بر طبق این ارتکاز وجود نداشته؛ اما همان ارتکاز موجود در زمان شارع را سیره می‌نامند.

سیره بر دو قسم است: سیره متشرعه و سیره عقلا. بین این دو سیره از جهت موضوع و حکم تفاوت وجود دارد. از جهت موضوع، مبدأ سیره متشرعه التزام به یک عقیده و دین است، مانند احترام به صلیب نزد مسیحیان؛ برخلاف سیره عقلا که مبدئش دین و آیین نیست؛ بلکه مبادی دیگری دارد؛ به عبارت دیگر، مذهب، نژاد و نحله فکری در سلوک عملی عقلا دخیل نیست. از جهت حکمی، سیره متشرعه بنفسه حجت است؛ مانند اجماع که کاشف از رأی معصوم است؛ اما سیره عقلا به امضای شارع نیاز دارد. (مظفر، ۱۴۲۹ق، ص ۵۱۴)

۳-۱. بینه

«بینه» در لغت به معنای امر واضح، حجت و برهان است. (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ص ۸۴-۸۵) در واقع هر چیزی که مسئله‌ی مبهمی را روشن و آشکار کند، «بینه» نامیده می‌شود. در اصطلاح فقهی و حقوقی، به شهود معتبر شرعی «بینه» گفته می‌شود. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۲ ص ۲۱۹) غالباً منظور از بینه، دو مرد عادل است؛ اما یک مرد عادل و دو زن عادل یا چهار زن عادل یا شاهد و یمین نیز می‌توانند بینه باشند. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۲ ص ۲۲۰)

بینه و خبر واحد، هر دو از راه‌های اثبات موضوعات شرعی هستند. بینه و شهادت دو مرد عادل، بیشتر در باب قضا استفاده می‌شود؛ ولی جمهور فقها اعتبار خبر دو مرد عادل را نه تنها در باب قضا، بلکه در کلیه‌ی موضوعات، پذیرفته‌اند، تا جایی که از آن به عنوان قاعده‌ی عموم حجیت بینه یاد می‌کنند. (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۹) وقتی در مقابل بینه، بحث اعتبار خبر واحد در موضوعات مطرح می‌شود، مرادشان خبری است که یکی از شروط عدالت یا تعدد یا مرد بودن را نداشته باشد.

۲. جایگاه مبنای حجیت خبر واحد در اعتبار بخشی به توصیف‌های رجالیان

یکی از مسائل ریشه‌ای در علم رجال، شناسایی مبنای اعتبار و پذیرش توصیف‌های رجالیان است. این توصیف‌ها که توسط دانشمندان رجالی ارائه می‌شوند، شامل ویژگی‌هایی مانند

وثاقت، ضعف، یا مذهب راویان است. برای نمونه، نجاشی در کتاب خود می‌گوید فلان راوی «ثقه» است یا فلان راوی «واقفی مذهب» است. اما این توصیف‌ها به طور ذاتی حجیت ندارند و پذیرش آن‌ها نیازمند دلیلی معتبر و مشخص است.

۲-۱. مبانی اعتباربخشی به توصیف‌های رجالی

رجالیان و اصولیان، مبانی گوناگونی را برای اعتباربخشی به توصیف‌های رجالی مطرح کرده‌اند. مهم‌ترین این مبانی عبارت‌اند از:

۲-۱-۱. اعتبار اطمینان و علم عرفی

بر اساس این مبنا، اگر اطمینان عرفی به درستی توصیف حاصل شود، همان برای حجیت کافی است. این اطمینان معمولاً از کثرت شواهد یا وثاقت گوینده ناشی می‌شود. (سند، ۱۴۲۹، ص ۸۵؛ شبیری، ۱۴۰۲، ص ۳۲۹)

۲-۱-۲. اعتبار خبر واحد ثقه

این مبنا بر حجیت خبر واحدی استوار است که توسط راوی ثقه نقل شده باشد. رجالیان معتقدند که اگر خبر واحدی از سوی فردی ثقه بیان شود، پذیرش آن به دلیل وثاقت ناقل، موجه است. (سند، ۱۴۲۹، ص ۹۳؛ شبیری، ۱۴۰۲، ص ۳۳۰)

۲-۱-۳. اعتبار شهادت عدلین

در این روش، اگر دو شاهد عادل (عدلین) بر صحت توصیفی گواهی دهند، آن توصیف معتبر شناخته می‌شود. (سند، ۱۴۲۹، ص ۹۳)

۲-۱-۴. اعتبار نظر کارشناسان خبره

در این مبنا، نظر کارشناسانی که در دانش رجال خبره هستند، به عنوان دلیل حجیت پذیرفته می‌شود. (شبیری، ۱۴۰۲، ص ۳۴۲)

۲-۱-۵. اعتبار ظنون در رجال، از باب انسداد صغیر

در مواردی که شارع مقدس راهی برای دستیابی به احکام شرعی تعیین کرده باشد، اما تحقق آن راه نیازمند شرایط دشواری باشد که اجرای حکم را عملاً غیرممکن سازد، این

وضعیت به انسداد صغیر تعبیر می‌شود. در چنین حالتی، عقل و عرف از خود جعل این راه درمی‌یابند که شارع قصد سخت‌گیری نداشته و شرایط را توسعه داده است. در علم رجال نیز همین قاعده حاکم است. با این پیش‌فرض که شارع مقدس راه دستیابی به احکام را اخبار راویان عادل قرار داده است، اگر در احراز عدالت راوی سخت‌گیری بیش از حد صورت گیرد و ظنون حاصل از توصیفات رجالی معتبر شمرده نشود، مسیر دستیابی به احکام شرعی به اندازه‌ای محدود خواهد شد که عرفاً با هدف شارع در تضاد خواهد بود. از این رو، از باب انسداد صغیر، عقل به کفایت ظن به عدالت راوی پی می‌برد تا مسیر دستیابی به احکام شرعی بسته نشود. (شبیری، ۱۴۰۲، ص ۳۴۳) به‌طور کلی، در علومى مانند علم رجال که دلیل علم و علمى کافی وجود ندارد، به‌ناچار ظن در آن علم به‌عنوان دلیل معتبر پذیرفته می‌شود.

۶-۱-۲. اعتبار مطلق ظنون، از باب انسداد کبیر

در این مبنا، تمامی ظنونی که در مورد صحت توصیف‌ها به دست می‌آیند، بدون محدودیت، حجت تلقی می‌شوند. انسداد کبیر زمانی مطرح می‌شود که علم اجمالی به تکالیف شرعی وجود دارد، اما راه‌های قطعی برای دستیابی به این تکالیف کافی نیست. در چنین شرایطی، شارع نمی‌تواند تنها به یقین اکتفا کند، و لابد ظنون را نیز معتبر می‌داند. این اعتبار شامل ظن‌های حاصل از توصیفات رجالی است، به‌ویژه زمانی که این ظن قوی باشد. البته باید توجه کرد که در صورت کفایت ظنون قوی، نباید به ظنون ضعیف‌تر عمل کرد. (شبیری، ۱۴۰۲، ص ۳۴۵)

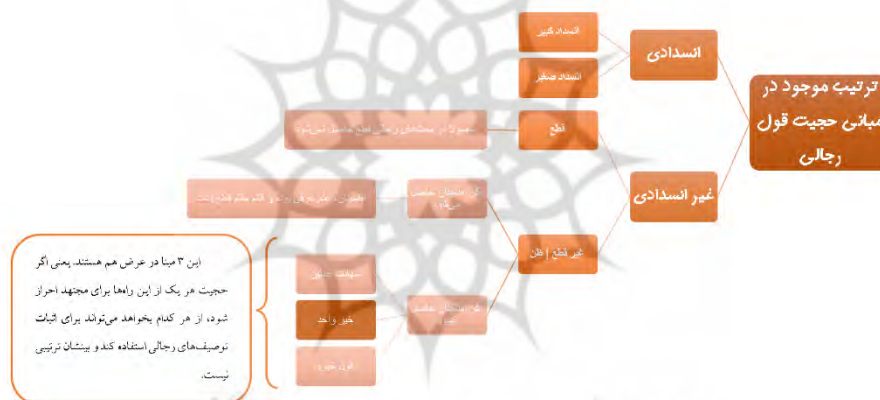
به عبارت دیگر، انسداد کبیر به حالتی اطلاق می‌شود که نسبت به بیشتر احکام، دلیل علم و علمى به مقدار کافی وجود ندارد و در نتیجه، ظن به طور مطلق به‌عنوان حجت پذیرفته می‌شود. هنگامی که ظن مطلق حجت شود، این اعتبار به تمامی علوم مرتبط با احکام شرعی، از جمله علم رجال، نیز تسری می‌یابد.

در مجموع، تفاوت میان انسداد کبیر و انسداد صغیر در نوع نگاه آنها به حجیت ظنون نهفته است. در نظریه انسداد کبیر، ظنون به‌صورت مطلق حجت‌اند، مگر آنکه دلیلی خاص

بر عدم حجیت ظنی معین وجود داشته باشد. اما در انسداد صغیر، حجیت تنها به یک ظن خاص اختصاص می‌یابد، زیرا عدم حجیت آن ظن خاص، کشف و اجرای حکم شرعی را عملاً غیرممکن می‌سازد. این تمایز، فهم دقیق‌تر این دو نظریه را ممکن ساخته و مخاطب را یاری می‌دهد تا میان این دو مبنا تمایز روشنی قائل شود.

۲-۲. ترتیب و اولویت‌بندی مبانی

این مبانی در یک رتبه و در عرض یکدیگر قرار ندارند، بلکه اولویت‌بندی خاصی در میان آنها وجود دارد. برای مثال، فقیهی که به افتتاح باور دارد، تنها در صورتی به سراغ مبانی حجیت خبر واحد می‌رود که اطمینان عرفی (بنا بر نظر مشهور در حجیت اطمینان) یا دلایل قوی‌تر وجود نداشته باشد. ترتیب گفته شده، در نمودار درختی زیر مشخص است.



۲-۳. استناد به حجیت خبر واحد

یکی از راه‌های برجسته در اعتباربخشی به توصیف‌های رجالی، استناد به حجیت خبر واحد است. رجالیان مشاهده کرده‌اند که علمای اصولی خبر واحد را حجت می‌دانند؛ از این رو، استدلال کرده‌اند که چون توصیف‌های رجالی نیز نوعی خبر واحد به شمار می‌روند، پس این توصیف‌ها نیز باید حجت باشند. بر این اساس، اگر رجالی معتبری مانند نجاشی یا شیخ طوسی گزارش و توصیفی درباره وثاقت یا ضعف یک راوی ارائه دهند، این گزارش، همانند خبر واحد در علم اصول، حجیت می‌یابد و می‌توان بر اساس آن عمل کرد.

۴-۲. تحلیل جایگاه مبنای حجیت خبر واحد

هرچند توصیف‌های رجالی نیز نوعی خبر واحد محسوب می‌شوند، اما این پرسش بنیادین مطرح است: آیا خبر واحد تحت هر شرایطی حجت است؟ و اگر حجیت خبر واحد پذیرفته شود، آیا این حجیت به طور مطلق می‌تواند اعتبار توصیف‌های رجالی را تضمین کند؟

برای پاسخ به این پرسش، باید ۲ جهت از بحث دنبال شود:

ابتدا باید به ادله و شرایط حجیت خبر واحد توجه کرد. حجیت خبر واحد به طور ذاتی و مطلق معتبر نیست، بلکه نیازمند مبنایی است که معیارهای اعتبار آن را مشخص کند. اگر مبنای حجیت خبر واحد بر این اصل استوار باشد که خبر ثقه حجت است، در این صورت، احراز وثاقت توصیف‌کننده کفایت می‌کند. اما اگر دلیل حجیت خبر واحد، لزوم عدالت خبردهنده باشد، وثاقت به‌تنهایی کافی نخواهد بود و احراز عدالت نیز ضروری است.

به‌عنوان مثال، ابن عقده، یکی از منابع مهم رجالی شیخ طوسی، گزارش‌های متعددی درباره راویان ارائه داده است. اما اگر عدالت او احراز نشود، نمی‌توان به توصیف‌های او اعتماد کرد، حتی اگر وثاقت او پذیرفته شود. مهم‌تر اینکه، در مواردی که معلوم نیست اطلاعات شیخ طوسی مستقیماً از ابن عقده گرفته شده یا از منبع دیگری، این عدم قطعیت، اعتبار مطالب رجال شیخ طوسی را نیز تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

بنابراین، حجیت خبر واحد صرفاً یک واسطه برای اعتباربخشی است و نمی‌تواند به طور مستقل به‌عنوان معیار اصلی اعتبار توصیف‌های رجالی عمل کند. این واسطه بودن به این معناست که خبر واحد باید در چارچوب مبنای حجیت خود تحلیل شود، و بر اساس آن، شرایط و شاخص‌های لازم برای پذیرش توصیف‌های رجالی تعیین شود.

سپس، به اختلاف‌نظرها در تفسیر ماهیت این توصیف‌ها دقت شود. برخی از علما، توصیف‌های رجالی را از دسته موضوعات محضه دانسته‌اند. اما برخی دیگر از علما، توصیف‌های رجالی را از دسته موضوعاتی می‌دانند که در طریق کشف احکام شرعی قرار می‌گیرند. (شهیدی، ج ۲، ص ۳۸۰) برای یافتن پاسخ به این سؤال که مبنای حجیت خبر واحد برای هر دو گروه کاربرد دارد یا نه باید به مبنای پذیرش خبر واحد دقت کرد. اگر

آن مبنا و دلیل اعتبار، در هر دو دسته موضوعات، خبر واحد را معتبر بداند، بر اساس نظر هر دو گروه، می‌توان به توصیف‌های رجالیان نیز به‌عنوان نوعی خبر واحد اعتماد کرد. این تحلیل نشان می‌دهد که صرف پذیرش کلی حجیت خبر واحد نمی‌تواند اعتبار تمامی توصیف‌های رجالی را تضمین کند. برای رسیدن به یک ارزیابی دقیق، ضروری است که هم مبانی حجیت خبر واحد و هم شرایط خاص اعتباربخشی توصیف‌های رجالی به طور دقیق بررسی شوند. این توجه به تفاوت مبانی و تأثیر آن‌ها، نقش مهمی در صحت و دقت ارزیابی‌های رجالی ایفا می‌کند.

۳. سیره عقلا، دلیل حجیت خبر واحد

خبر واحد، یکی از مهم‌ترین منابع استنباط احکام شرعی است که حجیت آن همواره موضوع بحث و مناقشه بوده است. فقها برای اثبات حجیت این منبع، دلایل متعددی از قرآن، سنت، اجماع و سیره عقلا ارائه داده‌اند. در میان این دلایل، سیره عقلا جایگاهی ویژه دارد و بسیاری از فقها آن را متقن‌ترین (خوئی، ۱۴۱۸، ج ۴۷، ص ۲۲۹) و بلکه، تنها دلیل (حمینی، ۱۳۸۱، ج ۲، ۴۷۲) اثبات حجیت خبر واحد می‌دانند.

برای درک بهتر نقش سیره عقلا در اثبات حجیت خبر واحد، باید دو نکته کلیدی تبیین شود: ابتدا، باید ماهیت حجیت سیره عقلا روشن شود. آیا سیره عقلا به‌خودی‌خود حجت است یا اینکه حجیت آن به امضای شارع نیازمند است؟ سپس، مفاد سیره عقلا روشن گردد. سیره عقلا به چه چیزی دلالت می‌کند؟ آیا سیره عقلا به حجیت مطلق خبر واحد دلالت دارد یا اینکه حجیت آن مشروط به شرایطی خاص است؟ پاسخ به این پرسش‌ها، کلید فهم دقیق جایگاه سیره عقلا در اثبات حجیت خبر واحد خواهد بود. در ادامه این بحث، به بررسی مفصل این دو پرسش پرداخته می‌شود.

۳-۱. حجیت سیره عقلا در پذیرش خبر واحد و ساحت‌های آن

سیره عقلا حجیت ذاتی ندارد و اعتبار آن، نیازمند امضا و تأیید شارع است. به عبارت دیگر، تنها در صورتی می‌توان به سیره عقلا استناد کرد که دلایلی بر موافقت و تأیید شارع نسبت به آن وجود داشته باشد. فقها برای احراز این موافقت راه‌های مختلفی را مطرح

کرده‌اند. برخی از این راه‌ها عبارت‌اند از: امضای صریح شارع در نصوص دینی، سکوت شارع در برابر سیره‌ای که در زمان ایشان جاری بوده است و

گاهی برای احراز موافقت شارع، عدم الردع کفایت می‌کند. مانند جایی که روش و مرام شارع برابر طریقه عقلا باشد. یعنی شارع با عقلا متحد المسلك باشد و همانند آن‌ها رفتار کند و همچنین جایی که شارع با عقلا متحد المسلك نیست؛ ولی عقلا در تمام امور خود، حتی امور شرعیه به این سیره عمل می‌کنند، اگر مانعی برای ردع وجود نداشته باشد، عدم الردع برای حجیت چنین سیره‌ای کفایت می‌کند. اما در برخی موارد عدم الردع کافی نیست و لازم است با دلیل قطعی حجیت سیره اثبات شود. (مظفر، ۱۴۲۹ق، ص ۵۱۴)

برخی فقها بر این باورند که سکوت و عدم ردع شارع در برابر سیره عقلا در پذیرش خبر واحد، به‌عنوان دلیلی برای حجیت آن کافی است. (خمینی، ۱۳۸۱، ج ۲، ۴۷۲-۴۷۶)

باین‌حال، در تعیین حدود این سکوت و مواردی که سیره عقلا حجیت دارد، اختلاف‌نظر دارند: گروهی از فقها معتقدند که هیچ دلیل محکمی برای ردع سیره عقلا در پذیرش خبر واحد وجود ندارد. به عبارت دیگر، از نظر این گروه، شارع به‌طور کلی با پذیرش خبر واحد توسط عقلا موافق بوده و هیچ محدودیتی برای آن قائل نشده است. اما گروه دیگری از فقها معتقدند که شارع بین احکام و موضوعات تفکیک قائل شده است و تنها در ساحت احکام با پذیرش خبر واحد توسط عقلا موافق بوده است. به بیان دیگر، این گروه بر این باورند که شارع در ساحت موضوعات، با پذیرش خبر واحد به‌عنوان دلیل مخالفت کرده و حجیت آن را تنها به ساحت احکام محدود کرده است. (رجوع شود به: صدر، ۱۴۳۴، ج ۱۰، ص ۱۰۰-۱۰۲)

عمده دلیل گروه دوم که قائل به وجود رادع در ساحت موضوعات هستند، روایت مسعدة بن صدقه است. این روایت با بیان اینکه همه چیز حلال است مگر آنکه حرام بودن آن به طور قطعی از طریق استبانه یا شهادت دو شاهد عادل اثبات شود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۱۳، ح ۴۰)، به نظر می‌رسد حجیت خبر واحد را به چالش کشیده و سیره عقلا را در این زمینه ردع کند.

مناقشه اصلی بر سر این است که آیا این روایت می‌تواند به‌عنوان یک دلیل رادع، سیره عقلا را در پذیرش خبر واحد به‌عنوان دلیل کافی برای اثبات موضوعات نفی کند یا خیر؟ در این باره دو دیدگاه کلی وجود دارد.

دیدگاه موافقان رادعیت خبر مسعده: گروهی از فقها بر این باورند که این روایت به‌عنوان یک دلیل رادع، حجیت خبر واحد در موضوعات را نفی می‌کند. آنها معتقدند حصر موجود در روایت، حصر حقیقی است و تنها دو طریق برای اثبات موضوعات وجود دارد: علم وجدانی و شهادت دو شاهد عادل. (روحانی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۱۴۸)

دیدگاه مخالفان رادعیت خبر مسعده: گروه دیگری از فقها با دیدگاه رادعیت مخالفانند و دلایل زیر را برای عدم صلاحیت این روایت در ردع سیره عقلا ارائه می‌دهند:

- **اشکال به سند روایت:** برخی از محققان به سند روایت مسعده ایراد وارد کرده‌اند. (خوئی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۶۲؛ صدر، ۱۴۳۴، ج ۱۰، ص ۹۶)
- **تفسیر متفاوت از واژه "بینه":** برخی از فقها معتقدند معنای لغوی واژه "بینه" در این روایت اراده شده است و نه معنای اصطلاحی آن (شهادت دو شاهد عادل). (خوئی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۶۲؛ همو، ۱۴۱۸، ج ۱۷، ص ۳۸۳)
- **نفی حصر حقیقی:** برخی دیگر از فقها بر این باورند که حصر موجود در روایت، حصری حقیقی نیست و راه‌های دیگری نیز برای اثبات موضوعات وجود دارد. (فاضل لنکرانی، ۱۴۳۲، ج ۴، ص ۱۵۹)
- **لزوم تعدد روایات برای ردع سیره عقلا:** به نظر برخی اهل دقت نیز برای ردع سیره عقلا، نیاز به تعدد روایات است و یک یا دو

روایت نمی‌تواند به‌تنهایی سیره عقلا را کنار بگذارد. (صدر،

۱۴۳۴، ج ۱۰، ص ۱۰۰)

عمده نزاع در این بحث بر سر معنای واژه "بینه" و نوع حصر موجود در روایت متمرکز است. طرف‌داران هر دو دیدگاه، برای اثبات نظر خود به قرائن و شواهدی از متون روایی و فقهی استناد می‌کنند.

به‌طور کلی، بحث رادعیت روایت مسعده بن صدقه، بحثی پیچیده و چندوجهی است که نیازمند بررسی دقیق‌تر و عمیق‌تر از ابعاد مختلف آن است. دلایل و استدلال‌های ارائه شده از سوی هر دو طرف، دارای نقاط قوت و ضعف خاص خود هستند و نمی‌توان به‌سادگی به یکی از آن‌ها ترجیح داد.

باین‌همه بعد از بررسی دقیق‌تر دلایل و استدلال‌های ارائه شده، به نظر می‌رسد که دلایل مخالفان رادعیت این روایت، مستحکم‌تر بوده و توجیه‌پذیرتر باشند. از این رو، با پیش‌فرض حجیت مطلق سیره عقلا در پذیرش خبر واحد، در ادامه این پژوهش، به تحلیل عمیق‌تر مفاد سیره و نتایج آن در اعتباربخشی توصیف‌های رجالی خواهیم پرداخت.

۲-۳. مفاد سیره عقلا

نسبت به مفاد و محتوای سیره عقلا در حجیت خبر واحد، دو نظریه وجود دارد:

(۱) نظریه اول: مطلق خبر (بدون فرق بین اغراض شخصی و اغراض مولوی) که از کذب در امان باشد و شخص خبردهنده در گفتارش صادق باشد حجت است. (مصطفی خمینی، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۵۰۰)

(۲) نظریه دوم: نظریه‌ای که می‌گوید: عقلا بین اغراض شخصی و اغراض مولوی فرق می‌گذارند. آن‌ها در اغراض شخصی خود، دنبال وصول به واقع هستند و اعتماد آنان بر خبر ثقه به مقداری است که آن‌ها را به واقع برساند. به عبارت دیگر، در اغراض شخصی وصول به واقع برای عقلا خیلی مهم است، به همین جهت احتیاط می‌کنند و تا زمانی که به وثوق و اطمینان شخصی نرسند، به خبر ثقه عمل نمی‌کنند؛ ولی در اغراض مولوی که مقام احتجاج است، به خبر ثقه اعتماد می‌کنند.

ذیل نظریه دوم، دو قول وجود دارد:

عقلا در اغراض مولوی، مطلقاً به خبر ثقه اعتماد می‌کند؛ هرچند ظن به خلاف موجود باشد. (خوئی، ۱۴۱۸، ج ۴۷، ص ۱۳۷)

عقلا در اغراض مولوی، به خبر ثقه اعتماد می‌کنند؛ به شرطی که از کلام او اطمینان نوعی حاصل شود. (شیری، بی تا، ج ۱۱، ص ۳۷۹۰)

۴. تفاوت رویکردها در تفسیر مفاد سیره عقلا و تأثیر آن بر تدوین شاخص‌های اعتبارسنجی توصیف‌های رجالیان

پیش‌تر، به بررسی مفاد سیره عقلا در پذیرش خبر واحد و نظریات مختلف پیرامون آن پرداخته شد. همان‌طور که ملاحظه شد؛ در این زمینه سه نظریه اصلی مطرح است. در بخش حاضر، تلاش می‌شود تا تأثیر این نظریات بر تدوین شاخص‌های اعتبارسنجی توصیف‌های رجالیان بررسی شود. به عبارت دیگر، هدف این است که مشخص شود هر یک از این سه نظریه تا چه اندازه می‌توانند به عنوان مبنایی مستقل برای تدوین شاخص‌های اعتبارسنجی عمل کند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که نظریه سوم، مبنی بر اطمینان، نمی‌تواند اثری مستقل در این زمینه داشته باشد؛ زیرا این نظریه در واقع به مبنای اطمینان در اعتباربخشی به توصیف‌های رجالیان بازمی‌گردد و تا زمانی که اطمینان حاصل شود، دیگر نیازی به استناد به حجیت خبر واحد نیست.

اما در مقابل، نظریه اول و دوم که بر حجیت مطلق خبر یا حجیت خبر در اغراض مولوی تأکید دارند، می‌توانند به عنوان مبنایی مستقل برای اعتباربخشی به توصیف‌های رجالیان مورد استفاده قرار گیرند. بدین معنا که اگر از قول رجالی اطمینان حاصل نشود، طبق هر دو نظریه یادشده، توصیف‌های رجالی از باب حجیت خبر واحد حجت خواهند بود.

۵. شاخص‌های اعتبارسنجی توصیف‌های رجالیان

همان‌طور که در بخش قبلی بررسی شد، از میان نظریه‌های مختلف درباره حجیت خبر واحد، نظریه‌های حجیت مطلق خبر و حجیت خبر در اغراض مولوی به عنوان مبنایی

مستقل برای اعتباربخشی به توصیف‌های رجالیان قابل اتکا هستند. در این بخش، به هدف اصلی پژوهش حاضر، یعنی تدوین شاخص‌هایی برای اعتبارسنجی توصیف‌های رجالیان بر اساس سیره عقلا در پذیرش خبر واحد، پرداخته می‌شود.

با توجه به غالب بودن انگیزه‌های مولوی در توصیف‌های رجالی، تأثیر هر دو نظریه یادشده بر شاخص‌های اعتبارسنجی توصیف‌های رجالیان مشابه خواهد بود. به عبارت دیگر، چه بر اساس نظریه حجیت مطلق خبر و چه بر اساس نظریه حجیت خبر در اغراض مولوی، شاخص‌های یکسانی برای خبر و خبردهنده و حالات تعارض در نظر گرفته می‌شود تا بتوان به اعتبارسنجی توصیف‌های رجالیان پرداخت.

در ادامه، به بررسی دقیق این شاخص‌ها در سه حوزه اصلی شاخص‌های خبردهنده، شاخص‌های خبر و شاخص‌های مربوط به حالات تعارض پرداخته می‌شود.

۵-۱. شاخص‌های خبردهنده

در بررسی اعتبار توصیف‌های رجالیان، نقش خبردهنده بسیار مهم است. زیرا، ممکن است ویژگی‌های شخصیتی، جنسیت و تعداد خبردهندگان به عنوان عوامل مؤثر بر میزان اعتماد به خبر و توصیف آن‌ها در نظر گرفته شوند. از این رو، شناسایی دقیق این ویژگی‌ها برای ارزیابی اعتبار توصیف‌ها ضروری است. در این بخش، با تحلیل سیره عقلا در پذیرش خبر واحد، شاخص‌هایی برای ارزیابی خبردهندگان استخراج شده است تا بتوان توصیف‌های رجالی معتبر را از غیرمعتبر تشخیص داد.

۵-۱-۱. شاخص اول: وثاقت

در اولین گام از بررسی شاخص‌های خبردهنده، می‌توان به وثاقت به عنوان مهم‌ترین شاخص پذیرش خبر اشاره کرد. عقلا بر این باورند که برای اطمینان از صحت یک خبر، تنها به دو ویژگی اساسی نیاز است: صدق و ضبط. صدق به معنای راست‌گویی و عدم انگیزه برای دروغ‌گویی است و ضبط به معنای داشتن حافظه‌ای قوی برای به یاد آوردن دقیق اطلاعات است. به عبارت دیگر، عقلا معتقدند که کسی که معمولاً راست‌گو است و اطلاعات را دقیق به یاد می‌آورد، شایسته اعتماد است و خبر او قابل پذیرش است. این

دو ویژگی به‌تنهایی برای اطمینان از مطابقت خبر با واقعیت کافی است و نیازی به بررسی سایر ویژگی‌های راوی، مانند عدالت، نیست.

برخی از دانشمندان، عدالت خبردهنده را نیز شرطی برای پذیرش خبر می‌دانند. اما عقلا با این نظر مخالف هستند. عدالت به معنای اعتقاد و پایبندی عملی به حق، در اصول و فروع دین است، (سید مرتضی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۳۱۰) درحالی‌که وثاقت به قابلیت اعتماد به خبر مربوط می‌شود. عقلا معتقدند که فاسق بودن یا خارج از دین بودن راوی لزوماً به معنای عدم وثاقت او در نقل خبر نیست. (خوئی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۶۶) بنابراین، از نظر عقلا، وثاقت و نه عدالت، ملاک اصلی پذیرش خبر است.

به‌طورکلی، عقلا بر این باورند که خبر ایزاری برای کسب اطلاعات درباره جهان پیرامون است و هدف اصلی آن‌ها از پذیرش خبر، دستیابی به اطلاعات صحیح و دقیق است. به همین دلیل، آن‌ها تنها به آن دسته از ویژگی‌های خبردهنده توجه می‌کنند که به طور مستقیم بر قابلیت اعتماد خبر تأثیرگذار است و سایر ویژگی‌ها را در این زمینه، ثانویه می‌شمارند. به همین جهت، کسی که ثقه باشد، به دلیل ویژگی وثاقت خود، مورداعتماد عقلا قرار می‌گیرد.

در نهایت باید گفت، همان‌گونه که عقلا برای پذیرش یک خبر، وثاقت خبردهنده را شاخص و ملاک اصلی قرار می‌دهند، در ارزیابی اعتبار توصیف‌های رجالیان نیز باید به دنبال همین شاخص بود. به عبارت دیگر، برای اطمینان از صحت اطلاعاتی که رجالیان درباره راویان حدیث ارائه می‌دهند، باید به میزان وثاقت و قابلیت اعتماد توصیف‌کننده توجه کرد.

در رابطه با وثاقت توصیف‌کنندگان، باید به دو نکته توجه کرد:

نکته اول این است که برای "ضابط بودن رجالی"، صرف اینکه حافظه و یادسپاری‌اش بیشتر از سهو و خطایش باشد، کفایت نمی‌کند. برای مثال اگر شخصی ۴۰٪ خطا داشته باشد و میزان یادسپاری‌اش کمی بیشتر از خطایش باشد، این مقدار از یادسپاری مطلب برای ضابط بودن او کافی نیست. ضبط یعنی از متعارف ضعیف‌تر نباشد. متعارف مثلاً در

این حد است که شخص ۲۰٪ نهایتاً اشتباه داشته باشد؛ اگر بیشتر از این مقدار باشد، عقلاً چنین شخصی را ضابط نمی‌دانند.

نکته بعدی این است که، "صحت مذهب" از شروط اعتماد به توصیف و خبر نیست. برخی معتقدند که علاوه بر صداقت و ضبط، صحت مذهب نیز شرط لازم برای اعتماد به خبر است، اما این شرط مورد مناقشه است، چرا که عقلاً چنین شرطی را لازم نمی‌دانند. به عنوان مثال، اگرچه مذهب ابن عقده، زیدی جارودی عنوان شده است، (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۹۴؛ طوسی، ۱۴۲۷، ص ۴۰۹) اما این امر مانع از پذیرش توصیف‌های او درباره راویان حدیث نمی‌شود.

۲-۱-۵. شاخص دوم: عدم تأثیر جنسیت (زن یا مرد بودن)

دومین شاخص در بین شاخص‌های خبردهنده، عدم تأثیر جنسیت خبردهنده بر اعتبار خبر است. به عبارت دیگر، عقلاً بر این باورند که جنسیت فردی که خبر را نقل می‌کند، نباید ملاک پذیرش یا رد آن خبر باشد. بلکه آنچه اهمیت دارد، وثاقت و قابلیت اعتماد خبردهنده است.

این دیدگاه با مثال‌های ساده‌ای قابل درک است. فرض کنید فردی به دنبال مغازه‌ای خاص است و از رهگذری نشانی می‌پرسد. در این حالت، جنسیت رهگذر (زن یا مرد بودن) اهمیتی ندارد. آنچه اعتماد فرد را جلب می‌کند، اطمینان از صداقت رهگذر است، زیرا او دلیلی برای دروغ گفتن ندارد. البته باید توجه داشت که در برخی احکام شرعی خاص، مانند شهادت در دادگاه، ممکن است تفاوت‌هایی بین شهادت مرد و زن وجود داشته باشد که دلایل فقهی خاص خود را دارد. (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۴۷۸) اما این استثنائات، اصل کلی برابری جنسیت در اعتبار خبر را خدشه‌دار نمی‌کند.

با توجه به مطالب ذکر شده، می‌توان نتیجه گرفت که در توصیف‌های رجالی نیز نباید بین توصیف‌کننده مرد و زن تفاوتی قائل شد. به عبارت ساده‌تر، اگر توصیفی از یک زن

درباره راویان حدیث به ما برسد، باید بر اساس سیره عقلا در پذیرش خبر واحد، همانند توصیف یک مرد، معتبر دانسته شود.

البته، با توجه به اینکه اکثریت قریب به اتفاق رجالیان در طول تاریخ مرد بوده‌اند، این مبنا در عمل، تغییر قابل توجهی در فرایند جرح و تعدیل راویان ایجاد نمی‌کند.

۳-۱-۵. شاخص سوم: عدم نیاز به تعدد

در ادامه‌ی بررسی شاخص‌های خبردهنده، به شاخص سوم در این زمینه پرداخته می‌شود. بر اساس این شاخص، اگر شخصی با ویژگی‌های صداقت و حافظه قوی، رویدادی را مشاهده و خبر آن را به دیگران برساند، حتی اگر تنها شاهد آن واقعه باشد، عقلا به خبر او اعتماد خواهند کرد. این شاخص، هم با نظریه حجیت مطلق خبر و هم با نظریه حجیت خبر در اغراض مولوی سازگار است و برای تأیید این سخن، نمونه‌های متعددی را می‌توان ذکر کرد.

توجه عقلا به شاخص سوم در مقام احتجاج (اغراض مولوی) به روشنی قابل مشاهده است. به عنوان مثال، فرض کنید در روستایی دورافتاده، خبری از رسانه‌های ارتباطی نیست و تنها منبع اطلاع‌رسانی، نقل قول اهالی از یکدیگر است. اگر فردی موثق و مورد اعتماد، خبری را درباره وقوع یا عدم وقوع یک رویداد مهم مانند جلسه روستا اعلام کند، سایر اهالی بدون تردید به آن خبر اعتماد کرده و بر اساس آن تصمیم‌گیری می‌کنند. حتی اگر این خبر تنها از زبان یک نفر شنیده شود، به دلیل وثاقت و صداقت فرد خبررسان، برای اهالی قابل پذیرش است.

در زندگی روزمره نیز (اغراض شخصی) این رویه به چشم می‌خورد. تصور کنید فردی در مسیر بازگشت به خانه، از همسایه‌ای مورد اعتماد و صادق خبری ناگهانی و مهم را بشنود. مثلاً همسایه به او بگوید که پدرش بیمار شده و به بیمارستان منتقل شده است. در این شرایط، فرد خبرگیرنده بدون تردید به خبر همسایه اعتماد کرده و برای اطمینان بیشتر به بیمارستان مراجعه می‌کند. در این مثال، حتی اگر تنها یک نفر این خبر را تأیید کرده باشد، فرد خبرگیرنده بر اساس اعتماد خود به همسایه، به خبر او عمل می‌کند.

یکی از مؤیدات شاخص سوم، تأکید علما بر شرط تعدد خبر است. ایشان با استناد به دلایلی مانند روایت مسعده، تلاش می‌کردند تا نشان دهند که در شریعت، برای پذیرش خبر، باید خبر متعدد باشد. (میرزا هاشم آملی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۱۳۶) این تأکید نشان می‌دهد که آنان از این واقعیت آگاه بوده‌اند که عقلاً در بسیاری از موارد، به خبر یک فرد مورد اعتماد اکتفا می‌کنند. این نکته، به روشنی تأیید می‌کند که اگر دلیل مانع از پذیرش سیره عقلاً را نپذیریم، در شرایطی که خبردهنده از وثاقت و قابلیت اعتماد برخوردار باشد، نیاز به تعدد خبر منتفی می‌شود و می‌توان این ویژگی را به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم در پذیرش خبر در نظر گرفت.

این مبنا تأثیر فراوانی در علم رجال و فقه می‌گذارد. زیرا بسیاری از راویان تنها با یک توثیق عام یا توسط یک راوی به‌صورت خاص توثیق شده‌اند. به‌عنوان مثال، راوی معروف، المثنی بن عبدالسلام، تنها یکبار و آن هم توسط کشی توثیق شده است. (کشی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۶۲۹) علاوه بر این، المثنی بن عبدالسلام مشمول هیچ یک از توثیقات عام نیست. با توجه به اینکه، شرط تعدد خبردهنده درباره او صادق نیست؛ اگر تعدد خبردهنده شرط لازم برای حجیت خبر واحد دانسته شود، بسیاری از روایات او، از دایره استنباط فقیه خارج خواهد شد.

۲-۵. شاخص‌های خبر

تاکنون به شاخص‌های مربوط به خبردهنده پرداخته شد و سه شاخص اصلی در این حوزه معرفی گردید. با این حال، اعتبار توصیف‌ها تنها به ویژگی‌های خبردهنده محدود نمی‌شود؛ بلکه خود خبر نیز باید معیارهای مشخصی برای پذیرش داشته باشد. اکنون به بررسی شاخص‌های مرتبط با کیفیت خبر پرداخته می‌شود. این شاخص‌ها نقش مهمی در تحلیل و تفکیک اخبار معتبر از غیرمعتبر ایفا کرده و به ارائه رویکردی دقیق‌تر در ارزیابی اعتبار توصیف‌ها کمک می‌کنند.

۱-۲-۵. شاخص اول: حدسی نبودن خبر

حدسی نبودن خبر، نخستین شاخص از میان شاخص‌های مرتبط با خبر است. تحلیل سیره عقلا نشان می‌دهد که این شاخص، یکی از شاخص‌های اصلی در پذیرش اخبار است. عقلا برای اعتباربخشی به اخبار، منشأ و مبدأ دستیابی به مدلول خبر را به دقت ارزیابی می‌کنند. آن‌ها تنها اخباری را می‌پذیرند که منشأ آن‌ها یا حسی باشد، یا قریب به حس، به گونه‌ای که احتمال خطا به حداقل ممکن کاهش یابد.

نکته کلیدی در سیره عقلا این است که احتمال خطا در اخبار حسی به میزان قابل توجهی کم است. (آشتیانی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۹۷) عقلا با در نظر گرفتن این ویژگی، اصل عدم خطا را در خبر حسی جاری کرده و به چنین اخباری ترتیب اثر می‌دهند. (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۱۸۲) اعتماد به اخبار حسی به دلیل ارتباط مستقیم آن‌ها با واقعیت خارجی و عدم دخالت اجتهاد یا استنتاج ذهنی در فرایند دستیابی به آن‌هاست. در مقابل، اخبار حدسی که منشأ آن‌ها استنتاج‌های عقلی یا اجتهادی است، (صدر، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۱۱۱) به دلیل افزایش احتمال خطا، نزد عقلا فاقد اعتبار است.

نکته مهم‌تر این است که عقلا حتی در مواردی که خبری قریب به حس است، به دلیل نزدیکی آن به مبدأ حسی و کاهش احتمال خطا، آن را در حکم خبر حسی قرار داده و معتبر تلقی می‌کنند. (خویی، ۱۴۱۸، ج ۷، ص ۱۵۷) این تفکیک دقیق میان انواع اخبار، مبنای تصمیم‌گیری آن‌ها در اعتماد به یک خبر یا رد آن است.

این سیره عقلا، راهنمایی روشنی برای ارزیابی توصیف‌های رجال می‌دهد. توصیف‌هایی که مبتنی بر مشاهدات مستقیم یا داده‌های قریب به حس باشند، از منظر عقلا معتبرند. اما توصیف‌هایی که بر اساس تحلیل، اجتهاد، یا برداشت‌های ذهنی تنظیم شده‌اند، فاقد اعتبار تلقی می‌شوند. این رویکرد عقلا، معیاری اساسی برای تمیز میان توصیف‌های معتبر و نامعتبر فراهم می‌آورد و می‌تواند به عنوان یکی از شاخص‌های کلیدی در علم رجال مورد استفاده قرار گیرد.

پیامدهای عملی شاخص سوم در علم رجال

تحلیل سیره عقلا در خصوص عدم اعتماد به اخبار حدسی و پذیرش اخبار حسی یا قریب به حس، پیامدهای مهمی در علم رجال دارد و بر نحوه ارزیابی توصیف‌های رجالی تأثیر مستقیم می‌گذارد. در ادامه، سه پیامد اصلی این رویکرد بررسی می‌شود:

۱. چالش در اعتبار عمومی توصیف‌های رجالیان

یکی از نتایج کلیدی این مبنا، به چالش کشیده شدن اعتبار کلیه توصیف‌های رجالی است. بسیاری از این توصیف‌ها ممکن است بر پایه حدس و گمان رجالیان ارائه شده باشد، به‌ویژه در مواردی که شواهد حسی یا قریب به حس برای آن‌ها ارائه نشده است. بر اساس این تحلیل، هرگاه احتمال حدسی بودن یک توصیف وجود داشته باشد و این احتمال به طور قطعی رفع نشود، نمی‌توان آن را به‌عنوان یک توصیف معتبر پذیرفت. البته مرحوم خوئی معتقد است که صرف احتمال حدسی بودن خبر، مانع از حجیت آن نمی‌شود و تنها در صورتی که حدسی بودن به طور قطعی احراز شود، سیره عقلا اجازه ترتیب اثر به آن را نمی‌دهد. (خوئی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۱)

۲. بی‌اعتباری برخی توصیف‌های رجالیان متقدم

توصیف‌های رجالیان متقدم، به‌ویژه علمای قبل از قرن هفتم هجری، به دو دسته حدسی و غیرحدسی تقسیم می‌شود.

الف) توصیف‌های حدسی: این دسته از توصیف‌ها که عمدتاً بر پایه ظن و گمان بنا شده‌اند، فاقد اعتبار هستند. سه نمونه از توصیف‌های حدسی که در منابع رجالی متقدم یافت می‌شود عبارت‌اند از:

تضعیف به دلیل غلو: اگر مبنای تضعیف راوی، صرفاً اتهام غلو باشد، چنین تضعیفی پذیرفته نیست.

تضعیف به دلیل ارتباط با غالیان: صرف ارتباط راوی با افراد دارای اندیشه‌های غالیانه، دلیلی بر تضعیف او نیست.

تضعیف بر اساس متن‌شناسی: برخی توصیف‌های رجالیان که بر شباهت رفتاری یا گفتاری به غالیان مبتنی است، به دلیل احتمال ظن و تهمت، معتبر نیستند.

ب) توصیف‌های غیر حدسی: این توصیف‌ها که حسی بودن یا حدسی بودن آن‌ها مشخص نیست، بر اساس اصالة الحس معتبر شمرده می‌شوند، مگر اینکه خلاف آن اثبات شود.

۳. محدودیت در پذیرش توصیف‌های رجالیان متأخر

توصیف‌های رجالیان متأخر، به‌ویژه از قرن هفتم هجری به بعد، در ارزیابی راویان پیشین فاقد اعتبار هستند. معمولاً توصیف‌های این گروه، در سه دسته بررسی می‌شود:

۱. نقل عبارات رجالیان پیشین

۲. توصیف اساتید، معاصران و نزدیکان زمان خود

۳. توصیف راویان قدیم و پیشینیان

مشکل اصلی در وضعیت سوم است، جایی که رجالیان متأخر به ارزیابی راویان قدیم می‌پردازند. در این حالت، آن‌ها معمولاً به شواهد غیرقطعی و مبانی اجتهادی خود استناد می‌کنند که این شواهد فاقد قطعیت لازم بوده و به‌عنوان توصیف‌های ظنی و حدسی تلقی می‌شوند؛ بنابراین، چنین توصیف‌هایی مشمول اصل عدم حجیت اخبار حدسی می‌شوند و نمی‌توان به آن‌ها اعتماد کرد.

۲-۵. سازگاری خبر با سایر منابع (لزوم فحص از معارض)

سازگاری خبر با سایر منابع، دومین شاخص از میان شاخص‌های مرتبط با خبر است. زمانی که منابع مختلف برای دریافت خبر وجود دارد، عقلا به طور طبیعی تلاش می‌کنند تا با سنجش و تطبیق خبر با سایر منابع معتبر، از وجود تعارض احتمالی میان اخبار اطمینان حاصل کنند. این رفتار ناشی از حساسیت عقلا نسبت به رفع تعارض و تضمین صحت خبر است. با این حال، این قاعده فی‌الجمله در سیره عقلا پذیرفته شده و نیازمند بررسی تفصیلی در دو مقام است: مقام علم اجمالی و مقام احتمال تعارض. (خمینی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۲۷۴)

مقام علم اجمالی به وجود تعارض

در مواردی که علم اجمالی به وجود تعارض میان اخبار یا اقوال وجود دارد، فحص از معارض در نظر عقلا، قطعی و ضروری است. در چنین شرایطی، درصد وجود تعارض

از حد فرضیه و احتمال فراتر رفته و به حد علم رسیده است. این علم اجمالی ایجاب می‌کند که بررسی دقیقی میان منابع انجام شود. براین اساس، نمی‌توان تنها به یک منبع اعتماد کرد و بدون فحص از اخبار دیگر، تصمیم‌گیری نمود. در این مقام، هر دو نظریه در تفسیر سیره عقلا بر لزوم فحص از معارض اتفاق نظر دارند و اختلافی در این باره وجود ندارد.

مقام احتمال تعارض

در این مقام، تنها احتمال وجود معارض مطرح است و علم اجمالی نسبت به تعارض وجود ندارد. در چنین شرایطی، تفسیرهای مختلف از سیره عقلا، نتایج متفاوتی ارائه می‌دهند:

نظریه اول: این نظریه معتقد است که مطلق خبر ثقه نزد عقلا حجت است، اعم از اغراض شخصی یا مولوی. اما این حجیت محدود به مواردی است که احتمال تعارض میان اخبار وجود نداشته باشد. در واقع، عقلا برای اعتماد به خبر ثقه در مقام احتمال تعارض، فحص از معارض را ضروری می‌دانند؛ زیرا بدون این فحص، اعتماد به خبر نزد عقلا شکل نمی‌گیرد؛ بنابراین، طبق این نظریه حتی در مقام احتمال تعارض، فحص از معارض الزامی است.

نظریه دوم: این نظریه معتقد است که در اغراض مولوی، مطلق خبر ثقه حجت است، حتی اگر احتمال تعارض یا خلاف در میان باشد. به عبارت دیگر، طبق این نظریه عقلا در اغراض مولوی با وجود احتمال خلاف نیز به خبر ثقه اعتماد می‌کنند و نیازی به فحص از معارض نمی‌بینند.

به‌طور کلی، با توجه به این دو نظریه، در مقام احتمال تعارض نتایج متفاوتی به دست می‌آید. طبق نظریه اول، فحص از معارض حتی در این مقام ضروری است و بدون آن عقلا به خبر اعتماد نمی‌کنند. اما نظریه دوم، فحص را الزامی نمی‌داند و حجیت مطلق خبر ثقه را در اغراض مولوی می‌پذیرد.

بحث فحص از معارض در علم رجال نیز به‌طور جدی مطرح است. به عبارت دیگر، همان‌طور که عقلا در پذیرش خبر واحد به لزوم فحص از معارض توجه دارند، این

قاعده در علم رجال نیز جریان دارد. پرسش اساسی این است که اگر فقیهی در کتابی مانند رجال نجاشی مشاهده کند که نجاشی فلان راوی را توثیق کرده است، آیا می‌تواند تنها به این توثیق اکتفا کند، یا لازم است توصیف سایر رجالیان را نیز بررسی کند؟ پاسخ این است که با فرض وجود علم اجمالی به تعارض میان توصیف‌های رجالی، فحص از معارض ضرورت پیدا می‌کند. چراکه مقام علم اجمالی، از نظر رتبه، بر مقام احتمال تعارض مقدم است. در چنین شرایطی عقلا جایز نمی‌دانند کسی بدون بررسی تعارضات احتمالی، به یک خبر اعتماد کند.

در نتیجه، برای توثیق یا تضعیف یک راوی، نمی‌توان تنها به یک توصیف رجالی استناد کرد. بلکه لازم است تمامی توصیف‌های رجالیان بررسی شود تا اطمینان حاصل گردد که توصیف موردنظر با دیگر توصیف‌ها در تعارض نیست. زیرا عقلا تنها با چنین رویکردی به خبر اعتماد می‌کنند.

در پایان، تذکر این نکته ضروری است که حیثیت بحث در مانحن‌فیه با حیثیت بحث تعارض متفاوت است. در مانحن‌فیه، تا زمانی که از مقید و خاص و ... فحص نشود، مطلق و عام حجت نمی‌شود ولی در بحث تعادل و تراجیح، وقتی به مقدار متعارف فحص انجام بگیرد، همان مطلق یا عام به حجت فعلی تبدیل می‌شود. حال اگر آن مطلق به حجت فعلی تبدیل شد و بعداً یک مقیدی پیدا شود، از امد و نهایت حکم کشف خواهد کرد. (خمینی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۲۷۷)

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف شناسایی شاخص‌های ارزیابی اعتبار توصیف‌های رجالی، سیره عقلا در پذیرش خبر واحد را به‌عنوان چارچوب نظری مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد که عقلا برای پذیرش خبر واحد، رعایت معیارهایی مانند وثاقت خبردهنده، حدسی نبودن خبر، و سازگاری آن با سایر منابع را ضروری می‌دانند. این معیارها به شکل زیر قابل تفکیک هستند:

۱. شاخص‌های خبردهنده:

- وثاقت خبردهنده شرط اصلی است.
 - جنسیت خبردهنده تأثیری بر اعتبار خبر ندارد.
 - نیازی به تعدد خبردهندگان وجود ندارد.
 - ۲. شاخص‌های مربوط به خبر:
 - اخبار حدسی به دلیل عدم قطعیت مردود هستند.
 - بررسی تعارضات احتمالی (فحص از معارض) برای اعتبار خبر الزامی است.
- این یافته‌ها نشان می‌دهد که اگر مبنای حجیت خبر واحد، سیره عقلا باشد، رعایت این شاخص‌ها ضروری خواهد بود. اما لازم به یادآوری است که این شاخص‌ها به مبنای نظری پژوهش وابسته‌اند؛ به این معنا که با تغییر مبنای حجیت خبر واحد، ممکن است شاخص‌های دیگری لازم باشد یا اولویت شاخص‌ها تغییر کند.
- علاوه بر این، نتایج پژوهش گامی در جهت تقویت پیوند میان علم اصول و علم رجال محسوب می‌شود، زیرا نشان می‌دهد که دقت در مبانی نظری می‌تواند به بهبود روش‌های ارزیابی توصیف‌های رجالی کمک کند. این تحقیق همچنین چارچوبی کاربردی را برای تمیز توصیف‌های معتبر از غیرمعتبر فراهم کرده که می‌تواند خطاهای احتمالی در تحلیل‌های رجالی را کاهش دهد.

چالش‌های پژوهش

در مسیر این تحقیق، با چالش‌های مختلفی روبه‌رو شدیم که نیازمند دقت و حل دقیق بودند. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، پیش‌بردن سیر منطقی از مبنای حجیت خبر واحد تا استخراج شاخص‌های ارزیابی توصیف‌های رجالی بود. هدف این پژوهش شناسایی شاخص‌های ارزیابی اعتبار توصیف‌های رجالی بر مبنای حجیت خبر واحد بود. برای دستیابی به این هدف، ابتدا ضروری بود که مبانی مختلف اعتباربخشی به توصیف‌های رجالی مورد بررسی قرار گیرد. پس از آن، توجه اصلی به مبنای حجیت خبر واحد معطوف شود.

باین حال، خبر واحد به طور ذاتی حجیت ندارد و برای اثبات اعتبار آن، باید دلایل معتبری ارائه می‌شد. در این راستا، به سیره عقلا تمسک کردیم. اما سیره عقلا نیز بدون

امضای شارع اعتبار ندارد، لذا برای پذیرش سیره عقلا باید از امضای شارع سخن می‌گفتیم. در ادامه، وارد رویکردهای مختلف در سیره عقلا شدیم که هر کدام از آنها سیره عقلا را به شیوه‌ای متفاوت تفسیر کرده‌اند.



چالش دیگر پژوهش، پیش‌بردن این سیر منطقی بود؛ به گونه‌ای که مخاطب بتواند به راحتی با آن همراه شود. برای جلوگیری از سردرگمی و خستگی مخاطب، در برخی موارد مجبور به استفاده از عباراتی مانند "سیره عقلا در پذیرش خبر واحد" شدیم. این عبارت به منظور تأکید بر این نکته بود که حجیت خبر واحد در نهایت به سیره عقلا وابسته است.

استفاده مکرر از این تعبیر ممکن است در برخی موارد باعث طولانی شدن جملات یا دشواری در فهم مقصود شود، اما ما ناچار بودیم از این عبارت استفاده کنیم. از آنجایی که سیره عقلا هم می‌تواند دلیل اعتبار خبر واحد و هم دلیل اعتبار نظر کارشناسی خبره باشد، اگر ما سیره عقلا را به طور مطلق به کار می‌بردیم، احتمال داشت که مفاهیم مشابه از یکدیگر تفکیک نشوند و با دلیل اعتبار نظر کارشناسی خبره خلط شوند. از این رو، برای حفظ دقت در تفکیک این دو حوزه، استفاده از این تعبیر ضروری بود.

این مسائل و چالش‌ها، از جمله مهم‌ترین دشواری‌های این پژوهش بودند که در روند نگارش با آن‌ها مواجه شدیم. امیدواریم توانسته باشیم این پیچیدگی‌ها را برطرف کنیم و سیر تحقیق را به طور کامل و قابل فهم ارائه دهیم.

پیشنهادهای و تحقیقات آینده

در نهایت، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آینده به بررسی تأثیر سایر مبانی حجیت خبر واحد بر شاخص‌های ارزیابی توصیف‌های رجالی پرداخته و امکان تطبیق این شاخص‌ها با رویکردهای مختلف را بررسی کنند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

* قرآن کریم

۱. انصاری، مرتضی (۱۴۲۸ق). *فرائد الأصول*. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۲. آشتیانی، محمدحسن بن جعفر (۱۴۲۹ق). *بحر الفوائد فی شرح الفرائد* / طبع جدید. بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
۳. آملی، میرزا هاشم (۱۳۹۵ق). *مجمع الأفكار و مطرح الأنظار*. قم: المطبعة العلمية.
۴. بجنوردی، حسن (۱۳۷۷ش). *التواعد الفقهية*. قم: نشر الهادی.
۵. جناتی، محمدابراهیم (۱۳۷۰ش). *منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی*. تهران: کیهان.
۶. خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۱ش). *تهذیب الأصول*. تهران: مؤسسة تنظیم و نشر آثار الإمام الخميني (قدس سره).
۷. خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲ش). *تحریر الوسيلة*. قم: مؤسسة تنظیم و نشر آثار الإمام الخميني (قدس سره).
۸. خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰ش). *موسوعة الإمام الخميني قدس سره الشریف*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره).
۹. خوئی، ابوالقاسم (۱۳۷۲ش). *معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة*. (بی‌جا) (بی‌نا).
۱۰. خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۸ق). *موسوعة الإمام الخوئی*. قم: مؤسسة إحياء آثار الامام الخوئی.
۱۱. روحانی، محمدصادق (۱۳۸۹ش). *زبدة الأصول*. قم: کلبه شروق.
۱۲. زبیدی، مرتضی (۱۴۱۴ق-۱۹۹۴م). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دار الفکر.
۱۳. سند، محمد (۱۴۲۹ق). *بحوث فی مبانی علم الرجال*. چاپ دوم، قم: مدین.
۱۴. سید مرتضی، علی بن حسین (۱۴۰۵ق). *رسائل الشریف المرتضی (إبطال العمل بأخبار الأحاد)*. قم: دار القرآن الکریم.
۱۵. شبیری زنجانی، محمدجواد (۱۴۰۲ش). *استناد در روش شناخت رجال اسناد*. قم: انتشارات مرکز فقهی امام محمد باقر علیه‌السلام.

۱۶. شبیری زنجانی، موسی (بی‌تا). کتاب نکاح. قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
۱۷. شهیدی، محمدتقی (بی‌تا). مباحث الحجج.
۱۸. صدر، محمدباقر (۱۴۱۷ق). بحوث فی علم الأصول (الهاشمی الشاهرودی). قم: مؤسسه دائرة معارف الفقه الاسلامی.
۱۹. صدر، محمدباقر (۱۴۱۹ق). دروس فی علم الأصول. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۲۰. صدر، محمدباقر (۱۴۳۴ق). موسوعة الشهيد السيد محمدباقر الصدر. قم: پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر، دار الصدر.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۷). رجال الطوسی. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية، مؤسسة النشر الإسلامی.
۲۲. فاضل موحدي لنکرانی، محمد (۱۴۳۲ق). تفصیل الشریعة (الطهارة). قم: مرکز فقه الأئمة الأطهار عليه السلام.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ق). العین. قم: مؤسسة دار الهجرة.
۲۴. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۴ق). اختیار معرفة الرجال. چاپ اول، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۶. مظفر، محمدرضا (۱۳۸۷ش-۱۴۲۹ق). أصول الفقه فی مباحث الألفاظ و الملازمات العقلية و مباحث الحجة و الأصول العملية. قم: بوستان کتاب.
۲۷. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش). رجال النجاشی. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامی.
۲۸. هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۲ش). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت عليه السلام. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت عليه السلام.